

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تیمور فومنکو*
برگردان: میر فخرائی
۲۴ نومبر ۲۰۲۲

قطر از ادعا تا عمل!



جام جهانی قطر نشان می دهد که «حقوق بشر» تنها یک ژست ظاهر سازانه از سوی غرب است. علی رغم قوانین سختگیرانه قطر برای دگرباشان جنسی LGBTQ و استثمار کارگران ساختمانی خارجی، هیچ یک از کشورهای پر مدعای غربی حقوق بشری حاضر به تحریم دیپلماتیک جام جهانی نشدند. حالا بیایم این را با رفتار غرب با چین مقایسه کنید.

جام جهانی فوتبال در قطر آغاز شد. این رویداد به دلایل زیادی بحث برانگیز است، از جمله نگرانی تیم ها و فدراسیون های ورزشی غربی در مورد موضوع حقوق بشر در این کشور ثروتمند عربی. قطر جامعه ای بسیار محافظه کار و تحت سلطه مذهب است و قوانین سختگیرانه ای در مورد همجنسگرایی و دگرباشان جنسی دارد. اما جدا از این که، تصمیم برای برگزیدن قطر به عنوان میزبان مسابقات در کشوری بسیار کوچک و با آب و هوای نامناسب آنهم بدون هیچ سنت فوتبالی، از همان ابتداء بحث برانگیز بود فیفا هم در این رابطه به فساد در مورد اهدای میزبانی مسابقات متهم شد.

این شرایط عجیب و غریب باعث شده است که قطر برای ایجاد زیرساخت های فوتبال در مدت زمان کوتاهی به تکاپو بیفتد که به نوبه خود این کشور را به استفاده از بیگاری برای ساخت ورزشگاه های جام جهانی متهم کرده است.

برخی منابع ادعا می کنند که تا ۶۵۰۰ کارگر ساختمانی در ساخت ورزشگاه ها در قطر کشته شده اند.

پس آیا جای تعجب دارد که تماشاگران غربی با محل برگزاری جام جهانی امسال مخالفت کنند؟

البته باید به یک نکته ظریف توجه داشت که مخالفت های صریح از سوی خود فدراسیون و نهادهای فوتبال این کشورها و نه از سوی دولت های کشورهای شرکت کننده صورت می گیرد.

به نظر می رسد همان دولت های غربی که به طور دیپلماتیک بازی های المپیک زمستانی بیجینگ را در اوایل سال ۲۰۲۲ تحریم کردند، هیچ مشکلی با قطر ندارند. در این وضعیت فعلی نکته جالب این است که مردم این کشورها خواستار تحریم بازی ها هستند، اما سیاستمداران کشور های حقوق بشری اما نه. پس کسانی مانند این دانکن اسمیت، نماینده پیشرو بریتانیا کجا هستند که نقض حقوق بشر در قطر را محکوم کنند؟

یا سیاستمداران بلندپایه ایالات متحده مانند نانسی پلوسی؟

همان افرادی که «نسل کشی» ادعائی را در منطقه خودمختار سین کیانگ چین محکوم کرده و خواستار تحریم بازی های المپیک زمستانی شده اند، به طرز مشکوکی در مورد قطر سکوت می کنند.

به نظر می رسد این افراد اصول خود را به طور مداوم اعمال نمی کنند و دائماً رنگ عوض می کنند – یا شاید درست تر بگویم، آنها هرگز واقعاً به حقوق بشر اهمیت نمی دهند.

برای آنها، حقوق بشر همیشه یک کارت بازی ژئوپلیتیک بوده است و بی تفاوتی آنها نسبت به رویداد بسیار بحث برانگیزتری مانند آن در قطر مشهود است. اما چرا اینطور است؟

کشور عرب ثروتمند قطر شریک ستراتیژیک غرب و صادرکننده عظیم گاز طبیعی است.

در بحبوحه درگیری در اوکراین، کشورهای غربی در تلاش برای امضای قراردادهای انرژی جدید با این کشور به عنوان جایگزینی برای روسیه هستند.

رونق عظیم قطر که از سال ۱۹۷۱ که از انگلیس مستقل شده است نتیجه فروش انرژی به غرب طولانی است که آنها قطر را شریکی کلیدی در مهار ایران می دانند.

قطر کوچک همچنین در خدمت منافع ستراتیژیک غرب در سرتاسر خاورمیانه است و اهدافی مشابه اهداف عربستان سعودی، کویت، بحرین، امارات متحده عربی و عمان دارد.

شما به غرب انرژی می فروشید و در مقابل غرب به شما تسلیحات می فروشد که سپس برای تحمیل نظامی و خشونت آمیز دیدگاه غرب در مورد آن منطقه استفاده می شود.

همه اینها به این معنی است که قطر در مورد موضوع حقوق بشر دارای چک سفید است.

از نظر دولت های غربی، در مورد قطر کاملاً خوب است که قوانین اسلامی در آنجا بشدت تفسیر می شود، کارگران مهاجر مورد استثمار قرار می گیرند و از همجنس گرایان متنفر هستند – هر چه باشد این کشور یک شریک ستراتیژیک غرب است.

با این حال، این معیارها برای چین اعمال نمی شود.

در حالی که قطر یک شریک است، چین به عنوان رقیب اصلی نظم سیاسی به رهبری ایالات متحده، یک رقیب ژئوپلیتیکی تلقی می شود.

در نتیجه، «حقوق بشر» به عنوان سلاحی علیه چین مورد استفاده قرار می گیرد و فراخوان تحریم بازی های المپیک زمستانی با هدف تحقیر بیجینگ و نفی هرگونه درخشش آن در صحنه جهانی صورت گرفته است.

همچنین شایان ذکر است که این اتهامات علیه چین «از بالا به پایین» و از سوی دولت های غربی که تلاش می کنند حمایت گسترده ای از تحریم بازی های المپیک ایجاد کنند، سرچشمه می گیرد، در حالی که اتهامات علیه قطر «از پایین به بالا» هدایت و نشأت گرفته از افراد، ورزشکاران و سازمان ها، اما توسط دولت های مربوطه نادیده گرفته شده است.

هیچ تحریم یا مجازاتی علیه قطر وجود نخواهد داشت. نه دولت امریکا به گروه‌هائی از فعالان معترض علیه دولت قطر کمک مالی می‌کند و نه گروه‌هائی از اندیشکده‌ها و «متخصصان» را اداره می‌کند که به تولید «مطالعات» منفی درباره این کشور و لابی‌گری منفی علیه دولت در تمام طول روز می‌پردازند و نه رسانه ها روی آن حساسیت زیادی نشان می دهند.

چرا ایالات متحده تمام محصولات و تولیدات قطر را که گفته می شود «با کار اجباری ساخته شده اند» ممنوع نمی کند، همانطور که در مورد سین کیانگ انجام دادند؟

این به ما در زمان واقعی نشان می دهد که چگونه «صنعت» حقوق بشر در راستای برنامه های ژئوپلیتیکی مستقر و هماهنگ شده است.

کسانی که از قطر انتقاد می کنند خود را بدون هیچ منبع و هیچ کمپین رسانه ئی برای برانگیختن خشم جهانی سرگردان می بینند.

بنابراین بزرگترین درسی که از پرونده قطر گرفته می شود این است که اصطلاح حقوق بشر فقط یک کارت بازی، ابزار و سلاح سیاسی است که کشورهای غربی برای توجیه و مشروعیت بخشیدن به تحمیل اراده خود بر سایر کشورها استفاده می کنند.

در واقع، استانداردهائی که غرب مدعی است از آنها حمایت می کند، به طور نابرابر، فرصت طلبانه و گزینشی اعمال می شوند. قطر خوب، چین بد.

ترجمه از انگلیسی.

* - تیمور فومنکو یک تحلیلگر سیاسی است.